

# خبرنامه کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

جمعه ۲۷ آذر ۱۳۸۸

سال دوم - شماره ۳۸ - شماره مسلسل ۸۵

## کارگران علیه سرمایه تشکل شویم!



کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری  
Coordinating Committee to  
Form Workers Organization

در این شماره:

- ۲ چند واقعیت و یک پرسش!
- ۲ تظاهرات معترضان به نشست سران در کنفرانس کلیمای سازمان ملل در کپنهاک
- ۳ در خصوص مشکلات به وجود آمده با عنوان حمایت های مالی
- ۳ تظاهرات اعتراضی کارگران شرکت آونگان
- ۴ کارگران بریتیش ایرویز اعتصاب می کنند
- ۴ اخراج ۱۵ کارگر خودروسازی کروز
- ۴ شرکت پایا سیستم ۱۵ کارگر را اخراج می کند
- ۵ تظاهرات اعتراضی کارگران کف گیلان و کف کار
- ۵ ۴۰ سال پس از اعتصاب بزرگ کارگران معدن در سوئد
- ۸ تظاهرات اعتراضی رانندگان بازنشسته شرکت واحد
- ۸ هزار کارگر شهرداری کرج اخراج شدند
- ۹ احضار محسن حکیمی به دادگاه



شور مطالبات پایه ای طبقه کارگر ایران را بخوانید صفحه ۱۰

## چند واقعیت و یک پرسش!

حالا در طرف دیگر ماجرا یعنی طرف کارگران دقت کنید :

- هم اکنون صدها کارخانه وجود دارد که کارگران آن ها کار کرده و برای سرمایه داران سود و سرمایه تولید کرده اند اما ماه ها و حتی سال هاست که حتی همان شندرغاز دستمزد بخور و نمیر هم به آنان داده نمی شود و شکایت آن ها به دولت هم به جایی نرسیده است و نمی رسد.

به عبارت دیگر، دولت نه تنها ثروتی را که از شیر جیب کارگران به وجود آمده دوستی تقدیم سرمایه داران اعم از دولتی و خصوصی می کند، نه تنها این سرمایه داران را برای عدم پرداخت مالیات و عدم بازپرداخت وام مورد مواخذه قرار نمی دهد، بلکه آنان را آزاد می گذارد که حتی حقوق ناچیز کارگران را هم نپردازند. از این هم بدتر، دولت حتی کارگرانی را که به سرمایه دار اعتراض می کنند که چرا دستمزد آنان را چند ماه چند ماه نمی پردازد، سرکوب می کند و به زندان می اندازد.

**حال شما قضاوت کنید : آیا این دولت، دولت مستضعفان است یا دولت سرمایه داران؟!**

### کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

۲۶ آذر ۱۳۸۸

در این ارقام که خود مقامات دولت جمهوری اسلامی آن ها را منتشر کرده اند دقت کنید :

- ده هزار سرمایه دار هرکدام بیش از یک میلیارد تومان و مجموعاً ده هزار میلیارد تومان از بانک ها وام گرفته اند اما این وام را بازپرداخت نکرده اند.

- سرمایه داران از بابت سودی که کسب کرده اند باید ۶ هزار و ۶۰۰ میلیارد تومان مالیات می پرداخته اند اما آن را نپرداخته اند.

- تعداد مجوزهای صادرشده برای تاسیس کارخانه صنعتی در سال ۱۳۸۷ نسبت به سال ۱۳۸۶ بیش از ۴۵ درصد کاهش داشته است. به عبارت دیگر، با وجود وام های کلانی که سرمایه داران برای تاسیس کارخانه گرفته اند این وام ها صرف تاسیس کارخانه نشده است.

معنای آمار و ارقام بالا کاملاً روشن است : دولت از محل ثروتی که کارگران تولید کرده اند میلیاردها تومان به سرمایه داران وام می دهد ظاهراً برای آن که آن ها با کارخانه تاسیس کنند یا کارخانه در معرض تعطیل خود را بازسازی کنند و به این ترتیب از محل سودی که به دست می آورند هم به دولت مالیات بدهند و هم وام خود را بازپرداخت کنند. سرمایه داران وام را می گیرند، اما به جای تاسیس یا بازسازی کارخانه و به جای پرداخت مالیات و بازپرداخت وام، آن را در رشته های با سودآوری نجومی سرمایه گذاری می کنند، بی آن که از طرف دولت هیچ مشکلی برایشان پیش آید.

## تظاهرات معرضان به نشست سران در کنفرانس کلیمای سازمان ملل در کپنهاک

پلیس با همه ابزار سرکوب سعی در برهم زدن فضای صلح آمیز تظاهرات داشت. باید گفت که وجود پلیس همراه با تظاهرات کنندگان همواره یکی از مهم ترین عوامل درگیری هاست و آن ها هستند که جو را متشنج می کنند تا امکان دستگیری مخالفان را فراهم آورند. در اولین روز بیش از ۱۰۰۰ نفر با استفاده از باتوم و مشت و لگد دستگیر شدند و ساعت ها مجبور به نشستن در روی زمین سرد و یخزده خیابان شدند و تا شب از آب و غذا و رفتن به توالت محروم گشتند که شدت سرما باعث بیهوشی بعضی از دستگیر شدگان گردید. دیروقت شب ۹۵۵ نفر از دستگیر شدگان آزاد شدند تا فرصت و امکان برای دستگیری های بعد و مثلاً ترساندن تعداد دیگری از شرکت کنندگان فراهم آید. اما چنان که در همه جهان شاهد هستیم این نیز یک گمان نادرست است. یکی از آزاد شدگان در مصاحبه با تلویزیون کانال ۲ دانمارک می گوید: البته که ما عصبانی هستیم. به طور کلی در جهان انسان ها از این امور عصبانی هستند چون دولت ها به مردم دروغ می گویند. این ها این جا هستند تا به بهانه مساله کلیما مسایل اقتصادی خود را پیش ببرند. درمقابل ما هم به خیابان می آییم تا اعتراضمان را اعلام کنیم. اما پلیس می خواهد با دستگیری ما این حرکت ما را یک عمل جنایی جا بزند. همزمان در بعضی کشورها تظاهرات اعتراضی انجام گرفته و می گیرد به طور مثال در استرالیا تظاهرات در ۸ شهر گزارش شده است که به تنهایی در کانبرا ۹۰.۰۰۰ نفر و در ملبورن ۴۰.۰۰۰ نفر شرکت کرده اند.

همزمان یک نشست اترناتیو نیز در روز یکشنبه در کپنهاک تشکیل شد که در آن مساله اصلی اقتصاد کشاورزی و تضمین مواد غذایی بود و هزاران نفر از سراسر دنیا در آن شرکت داشتند، از جمله ۵۰ کشاورز کوچک از کشورهای مختلف از جمله هند، بنگلادش و اوروگوئه. در درون نشست هم اختلاف نظر وجود دارد. گروه کشورهای به اصطلاح در حال رشد - کشورهای آفریقایی،

بیش از ۱۰۰ هزار نفر که از سراسر جهان به دانمارک آمده اند همزمان با آغاز نشست سران در کنفرانس سازمان ملل در باره ی کلیما و شرایط جوی تظاهرات خود را علیه نشست، علیه تخریب محیط زیست و شرایط جوی توسط سرمایه و در یک کلمه علیه سرمایه داری آغاز کردند. کنفرانس که روز شنبه ۱۲ دسامبر آغاز شده تا جمعه ۱۸ دسامبر ادامه خواهد داشت و نمایندگان ۲۹۰ کشور در آن شرکت دارند. ۲۰ هزار نفر با مجوز در درون سالن های کنفرانس مذاکرات را دنبال خواهند کرد که اکثریت آن ها را ناظران تشکیل می دهند. از جمله این ناظران می توان از گروه شرکت کننده اتحادیه های کارگری نام برد که از کشورهای مختلف آمده اند و در مجموع ۳۶۰ نفر هستند. نماینده اتحادیه متال آلمان که در کنفرانس حضور دارد می گوید که ما خوشبین!! هستیم و آمده ایم و سعی می کنیم که مسایل اجتماعی در قطعنامه گنجانده شود و اطلاع می دهد که ملاقاتی با خانم مرکل دارند تا او را به حمایت از متنی که در مورد کشورهای در حال رشد است تشویق کنند چون تاکنون این حمایت توسط دولت آلمان انجام نشده است. او می خواهد مسایل اجتماعی را وارد قطعنامه کند اما گویی ممنوع شدن اتحادیه آزاد کارگری در آلمان در ۲۰۰۹/۱۲/۱۱ مساله ای اجتماعی نیست و آن ها وظیفه ای در قبال تحدید آزادی ها در آلمان ندارند. او هم چنین به دلیل خوشبینی به نشست سران حرفی از اجتماع اعتراضی ۱۰۰.۰۰۰ نفره خارج از سالن نمی زند.

در کپنهاک بزرگ ترین عملیات امنیتی بعد از جنگ جهانی دوم ترتیب یافته است. هزاران نفر نیروی پلیس و امنیتی بسیج شده اند. برای اولین بار یک ماشین آب پاش ۲۲ تنی را که در آلمان ساخته شده است برای خاموش کردن آتش و در صورت لزوم برای کنترل تظاهرات در مواقع بحرانی به همراه یک و نیم میلیون گالن گاز اشک آور، سگ های تربیت شده پلیس آماده و به کار گرفته شده است.

- ریزش باران در بعضی از مناطق به شدت افزایش خواهد یافت و احتمالاً تا سال ۲۰۸۰ حدود ۲۰٪ جمعیت جهان یعنی بیش از دو میلیارد نفر با آلودگی آب و سیل های عظیم مواجه خواهند بود. در آفریقا تا سال ۲۰۲۰ بین ۷۵ تا ۲۵۰ میلیون انسان دچار کم آبی خواهند شد. در بعضی از کشورها تا ۵۰٪ فعالیت های کشاورزی خواهد خوابید.

- سطح آب اقیانوس بین ۴/۴ تا ۴/۱ متر بالا خواهد آمد و شور شدن زمین به ویژه در بنگلادش و جزایر کوچک گسترش خواهد یافت. او معتقد است کشورهای صنعتی باید تا سال ۲۰۱۰ میزان گاز گرینیک خروجی کشور خود را بین ۲۵ تا ۴۰ درصد کاهش دهند.

تظاهرات هر روز جریان دارد. امروز چهارشنبه ۱۶ دسامبر ۲۰۰۰ نفر در تظاهرات کپنهاک شرکت داشتند و پلیس با ماشین آب پاش و گاز اشک آور به تظاهر کنندگان حمله کرد و ۵۰۰ نفر دیگر را دستگیر نمود.

۱۶ دسامبر ۲۰۰۹

هند و چین باهم یک گروه تشکیل داده اند- خواهان این هستند که کشورهای صنعتی درصد بالایی از منابع لازم را برای تامین مالی تغییرات مورد نظر در اقلیم این کشورها را تقبل کنند. جزیره مالدیو و تووالو به همراه گروه جزایر کوچک مستقل AOSIS مذاکرات سران را در روز جمعه و شنبه بلوکه کردند زیرا خطر به زیر آب رفتن کشورهای کوچکشان بسیار بالاست. به طور مثال، تووالو اکنون تنها ۵ متر از سطح اقیانوس بالاتر قرار دارد.

نماینده شورای اقلیم سازمان ملل در سخنانش نتایج آخرین تحقیقات را بیان کرد تا نشان دهد که اگر جلو این روند گرفته نشود اتفاقات زیر رخ خواهد داد:

- یخ های اقیانوس در نیمه دوم قرن ۲۱ ناپدید خواهد شد.
- موج گرمای شدید و ریزش باران های سیل آسا را خواهیم داشت.
- شدت و قدرت توفان ها افزایش خواهد یافت.
- منابع آب های آشامیدنی کاهش خواهد یافت.

## در خصوص مشکلات به وجود آمده با عنوان حمایت های مالی

خواهیم داد و مسئولیتی نیز در قبال حساب نامبرده نداریم.

همچنین کارگران زندانی در تماس خویش از زندان تأکید داشتند که از ابتدای فعالیت های صنفی کارگری تا به اکنون هیچ گونه کمکی که مغایر با موازین قانونی رایج باشد دریافت نکرده اند.

در آخر ما خانواده ها که نان آورانمان را در کنار خود نداریم از تمام انسان های شریفی که نگران ما هستند کمال تشکر را داریم و آرزو می کنیم هر چه زودتر عزیزانمان به آغوش گرم خانواده باز گردند.

با سپاس فراوان

خانواده فریدون نیکوفرد

خانواده رمضان علیپور

خانواده محمد حیدری مهر

وجود اخراج همسران زندانیان از کار حضور ایشان تسکینی بر دردهایمان بود که به بهانه یک حرکت فردی از این فرصت قانونی نیز محروم شده ایم.

در تمام این مدت نهادها و افراد بیشماری در حمایت از تلاش های کارگران هفت تپه اقداماتی انجام داده اند که بسیار قابل تقدیر می باشد و ما از همه آن ها سپاسگزاریم. اما در اینجا اعلام می کنیم طی تماس هایی که از داخل زندان گرفته شده هیچ یک از کارگران زندانی با اعلام این شماره حساب موافق نبوده اند و ما نیز تا این لحظه هیچ گونه کمک مالی از این طریق دریافت نکرده و نمی کنیم. اعلام این حساب بانکی به ابتکار شخصی یکی از همکاران گرامی ما صورت گرفته بود و ما ضمن دفاع از حق ایشان در دریافت کمک به هر شیوه ای که خود مناسب می دانند، اعلام می کنیم که اقدامات خود را تنها در هماهنگی با سایر اعضای سندیکا انجام

روز شنبه ۲۱ آذر ماه ۱۳۸۸ وقتی ما خانواده های کارگران زندانی نیشکر هفت تپه برای پیگیری پرونده به دادگاه مراجعه نمودیم تا شاید بتوانیم مقدمات اعطای مرخصی برای همسرانمان را فراهم کنیم با کمال تعجب قاضی پرونده به ما گفت: « شماره حسابی از طرف رییس هیات مدیره سندیکا در سایت های اینترنتی برای جذب کمک های مالی اعلام شده است. قبلاً هم گروه های معاند جمهوری اسلامی به شما کمک کردند. و به همین دلیل تا آخرین روز حکم با مرخصی همسرانتان موافقت نخواهم کرد.»

با هزار امید نزد قاضی رفتیم. این سخن را شنیدیم و به همین دلیل تصمیم گرفتیم تا نکاتی را به اطلاع عموم برسانیم:

بعد از گذشت دو سال از تلاش های کارگران هفت تپه که منجر به زندانی شدن همسرانمان شد. دیگر طاقت تحمل مشکلاتی بیشتر از این را نداریم. با

## تظاهرات اعتراضی کارگران شرکت آونگان

نشده است. آخرین بار تشکیل این تجمعات روز ۲۳ آذر ماه بود که کارگران باز هم در مقابل اداره استانداری اراک فریاد اعتراض سر دادند و خواستار پرداخت دستمزدهای خود شدند. استاندار با مشاهده خشم کارگران و با هدف غلبه بر این خشم بحث بی کفایتی سرمایه دار و ضرورت انتقال مالکیت شرکت به کسان دیگر را پیش کشید. به نظر می رسد که جعفری در طول این مدت به اعتبار مالکیت آونگان به اندازه کافی سرمایه های لازم را از بانک ها دریافت داشته و هر کجا که می خواسته سرمایه گذاری کرده است. به همین دلیل، باید جای

و اختصاص تمامی وام ها، دستمزدها و صرفه جویی ناشی از اخراج ها به انباشت سرمایه در حوزه های سودآورتر در مناطقی دیگر از جمله این طرح ها بود. شرکت آونگان به این ترتیب روند تعطیل را آغاز کرد. دستمزد کارگران برای ماه های طولانی به تعویق افتاد و هم اکنون ۵ ماه است که هیچ کارگری هیچ ربالی حقوق نگرفته است. در طول این مدت ۴ بار کل کارگران در مقابل استانداری و سایر نهادهای ذیربط دولتی دست به تشکیل اجتماع زده و به اعتراض پرداخته اند. اجتماعات و تظاهراتی که به هیچ نتیجه ای منتهی

شرکت آونگان در زمره کارخانه هایی است که از سوی دولت سرمایه داری در چهارچوب اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی این دولت در اختیار یک سرمایه دار خصوصی به نام مجتبی جعفری قرار گرفته است. مالک جدید شرکت همچون همه همتایان طبقاتی خویش به دنبال این نقل و انتقال، طرح های از پیش آماده خود را به اجرا نهاد. خارج ساختن سرمایه های کلان حاصل استثمار توده های کارگر از بانک ها زیر نام وام توسعه و بازسازی شرکت، تعطیل کامل پرداخت دستمزدها و هر نوع مطالبات کارگران، اخراج تدریجی توده های کارگر

آوارگی و همه مصائب سرمایه داری حال باید چه خاکی به سر خویش و خانواده های خویش بریزند کاملاً ناگفته باقی ماند.

منبع: ایلنا

۲۵ آذر ۸۸

مطلق اختیار کرد دستمزد کارگران بود. به بیان دیگر، ایشان تکلیف همه چیز را روشن کردند. این که جعفری از طریق مالکیت شرکت و دست اندازی بر حاصل استثمار کارگران دنیای سرمایه های لازم را اندوخته است و حال نوبت سرمایه داران دیگری است که به این کار ادامه دهند در سخن او صریح بود. اما این که کارگران پس از ۵ ماه تعویق دستمزدها و تحمل فشار گرسنگی و فقر و تحقیر و

خود را به دیگران بسپارد تا افراد دیگری نیز از این خوان یغما بی نصیب نمانند. استاندار قبول داشت که سرمایه های خارج شده از بانک ها زیر نام آونگان در جاهای دیگر انباشت شده است. او در سخنان خود برای کارگران تصریح کرد که « این آقایان صلاحیت و لیاقت اداره کارخانه را ندارند و سرمایه استان را در جای دیگر هزینه می کنند». اما آنچه که مطلقاً بر زبان وی جاری نشد و در باره اش سکوت

## کارگران بریتیش ایرویز اعتصاب می کنند

اعتراض قرار داده اند. سرمایه داران در شکایت خود مدعی شده اند که عده ای از رأی دهندگان در زمره کارگران اخراجی هستند!! دعوی بی اساسی که با نیشخند تمسخر توده های کارگر مواجه شده است. چشم امید صاحبان سرمایه اینک به قدرت دولت خویش و سازش همیشگی و مطابق معمول دیوان سالاری اتحادیه ای بسته شده است. آنان امید دارند که با استمداد از این دو اهرم کارساز از شروع اعتصاب جلوگیری کنند. در مقابل این ترفندها و تلاش های قطب سرمایه، توده های کارگر نیز فریادکشان اخطار کرده اند که در روز بیستم دسامبر اعتصاب را شروع خواهند کرد و کل سیستم حمل و نقل و پرواز بریتیش ایرویز را برای ۱۲ روز از کار خواهند انداخت.

دسامبر ۲۰۰۹

اتفاق خواستار اعمال قدرت متحد از طریق سازمان دادن اعتصاب شده اند. کارگران فریاد می زنند که امتناع سرمایه از قبول خواست هایشان را حتماً با تعطیل کار و شروع اعتصاب پاسخ خواهند گفت. اعتصاب از بیستم دسامبر آغاز می شود و تا روز دوم ماه ژانویه ۲۰۱۰ به مدت ۱۲ روز ادامه خواهد یافت. سرمایه داران بریتیش ایرویز با اطلاع از اراده مصمم کارگران سخت به وحشت افتاده اند. آنان می گویند که این اعتصاب در چنان روزهای حساس و پردرآمدی به طور قطع ضرباتی بسیار کوبنده بر شریان سود و حیات شرکت وارد خواهد ساخت. صاحبان شرکت با سراسیمگی بس وقاحت آمیزی اعلام کرده اند که برای مقابله با موج اعتصاب از هیچ کاری فروگذار نخواهند کرد. آنان برای رسیدن به هدف جلوگیری از اعتصاب تلاش های زیادی را آغاز کرده اند، از جمله این که روند اخذ رأی در اجلاس وسیع کارگران را مورد

کارگران شرکت هواپیمایی بریتیش ایرویز خواستار افزایش دستمزدها، جلوگیری از اخراج ها و بهبود شرایط کار خویش شده اند. سرمایه داران این غول هوایی مصمم هستند که هزاران نفر از خدمه شرکت را در مناطق مختلف دنیا بیکار سازند، فشار کار را به نقطه انفجار رسانند، هزینه سرمایه گذاری ها را هر چه بیشتر کاهش دهند و در همین راستا منحنی سود را بیش از پیش بالا ببرند. برنامه ریزی هایی که ساقط کردن هر چه کوبنده تر توده های وسیع کارگر از کار و زندگی و امکان زنده ماندن را آماج تهاجم خود گرفته است و همه کارگران شاغل را دچار وحشت کرده است. کارگران با دنیایی خشم و عصبانیت، مسئولان اتحادیه را زیر فشار قرار داده اند تا در مقابل تهاجم سرمایه داران واکنش نشان دهند. سران سازشکار اتحادیه با مشاهده خشم کارگران فراخوان یک نشست وسیع را صادر کرده اند و شرکت کنندگان در اجلاس با اکثریت قریب به

## اخراج ۱۵ کارگر خودروسازی کروز

منبع: آژانس ایران خبر

۲۴ آذر ۸۸

کاهش تقاضا است. کارگران اخراجی هیچ درآمدی برای امرار معاش ندارند. سرمایه دار در قبال هر یک سال کار فقط یک ماه حق سنوات برای آنان قبول کرده است، مبلغ بسیار ناچیزی که هیچ مشکلی از معیشت کارگران را حل نمی کند.

شرکت خودروسازی کروز ۱۵ کارگر را اخراج می کند. این کارگران هر یک بیش از ۵ سال سابقه کار کردن و استثمار شدن در این شرکت دارند. سرمایه دار کروز گفته است که دلیل اخراج کارگران بحران اقتصادی، کساد بازار فروش و

## شرکت پایا سیستم ۱۵ کارگر را اخراج می کند

با همه همتایشان بحران اقتصادی و رکود بازار فروش تولیدات را دلیل این اخراج ها اعلام کرده است.

منبع: آژانس ایران خبر

۲۴ آذر ۸۸

پایاسیستم در زمره نیرومندترین و عظیم ترین شرکت های تولید وسائل مخابراتی و کامپیوتری در ایران است. سرمایه دار این شرکت نیز دست به اخراج ۱۵ کارگر زده است و همصدا

## تظاهرات اعتراضی کارگران کنف گیلان و کنف کار

مطالبات پایه ای ضدسرمایه داری در پیشاپیش این پیکار، پیش کشیدن افق رهایی از شر استثمار و حاکمیت سرمایه و برپایی جهانی نو بر ویرانه های نظم موجود است. انجام این کارها سخت است اما سخت تر از آن تحمل وضعیتی است که سرمایه داری بر ما تحمیل کرده است و تحمیل می کند و در آینده بازهم بیشتر تحمیل خواهد کرد. کارگران هر دو کارخانه کنف کار و کنف گیلان در تمامی ۵ سال اخیر بی وقفه مبارزه و اعتراض کرده اند. در همین روز ۲۳ آذر هم یک بار دیگر تظاهرات اعتراضی خود را تکرار کردند. اما آنان همچون همه بخش های دیگر توده های طبقه خویش هنوز واقعیت مبارزه طبقاتی و دستیابی به ساز و کار و سلاح مبارزه طبقاتی علیه سرمایه را به جریان جاری زندگی و اعتراض خود تبدیل نکرده اند. تا زمانی که چنین است وضع زندگی آنان نیز به همین منوال است که می بینیم.

منبع: خبرگزاری فارس

۲۴ آذر ۸۸

سر دادن فریاد در مقابل کاخ های سر به فلک کشیده قدرت و زور و زورگویی نظام کارگرکش سرمایه داری ره به هیچ کجا نمی برد. طبقه سرمایه دار و دولت سرمایه داری ایران قدرت دارند و این قدرت را با دنیایی از درندگی و خونریزی به کارگران تحمیل می کنند. سرمایه داران و دولت سرمایه همه قدرت خویش را از سرمایه دارند، سرمایه ای که ریال به ریال آن محصول کار و استثمار توده های کارگر است. در مقابل طبقه سرمایه دار و دولتش، طبقه کارگر هم از قدرتی عظیم، لایزال، دگرگون کننده و تاریخ ساز برخوردار است اما به کارگیری این قدرت، نیازمند آگاهی، اتحاد، اراده، سازمانیابی، افق روشن پیکار و عزم محکم برای تغییر وضعیت موجود است. اگر کارگران نمی خواهند محکوم همیشگی گرسنگی و فقر و مرگ در درون جهنم گند و خون استثمار و ستم و بربریت سرمایه داری باشند باید این قدرت را به کار گیرند و راه اعمال آن را بیاموزند. این قدرت در داد و فریادهای التماس آمیز ۱۰۰ تا ۲۰۰ کارگر در این یا آن شرکت نیست. این قدرت در اتحاد هر چه محکم تر توده های طبقه کارگر، سازمانیابی شورایی و ضدسرمایه داری و هر چه سراسری تر کارگران، افزایش پرچم

در باره وضعیت کار و زندگی و مبارزه کارگران کارخانه های کنف استان گیلان قبلاً گزارش های نسبتاً مشروحی توسط فعالان ضدسرمایه داری این استان تهیه شده و در همین سایت و خبرنامه اینترنتی آن انتشار یافته است. ۵ سال از تاریخ سرگردانی، آوارگی و گرسنگی مرگبار توده های کارگر این صنایع می گذرد و در طول این ۵ سال هر روز وضع کارگران از روز پیش بدتر و دردناک تر و کشنده تر شده است. شمار زیادی از آنان در همه این مدت بیکار مانده اند و به رغم تلاش بسیار برای یافتن کار در هیچ کجا موفق به یافتن هیچ کاری نشده اند. گزارش ها حاکی است که در این ۵ سال، حداقل سه تن از کارگران سرگردان و گرسنه و بیکار زیر فشار درد و رنج و مصائب غیرقابل تحمل دامنگیر خانواده خویش دست به خودکشی زده و مرگ را به عنوان تنها راه نجات از این وضعیت انتخاب کرده اند. این وضع ادامه دارد و کارگران نیز همچنان به اعتراض خویش ادامه می دهند، شکلی از اعتراض و مبارزه که بی نتیجه بودن خود را سال ها است در سراسر این مملکت و در تمامی مراکز کار و تولید به نمایش نهاده است. امروز هر کارگری مثل روز روشن می داند که صرف تشکیل اجتماع و تحسن و

## ۴۰ سال پس از اعتصاب بزرگ کارگران معدن در سوئد

اینجا بیداد می کرد. خانم « سارا لیدمن » (Sara Lidman) در همین سال ها همراه با همکار عکاس خویش « اود اوربوم » (Odd Uhrbom) به دنبال بازدید از بخش های مختلف معدن و انجام بسیاری مصاحبه ها با کارگران دست به انتشار کتابی زدند که اولاً برگ برگ آن به صورت دهشتناکی تکان دهنده است و ثانیاً هر ورق آن کارنامه بسیار سهمگین و سنگینی از جنایات نظام سرمایه داری را در پیش روی خوانندگان خود قرار می دهد.

دولت سوئد به ترتیبی که گفتیم مالکیت LKAB را به دست گرفت. اما بر خلاف وعده های عوام فریبانه ای که در طول گفتگوها در باره بهبود شرایط کار و وضعیت زیستی کارگران در مجلس سرمایه داده شده بود همه چیز برای کارگران بدتر و بدتر شد. عروج مجدد سوسیال دموکراسی به عرش قدرت سرمایه نیز نه فقط باعث بهبودی در شرایط کار و دستمزد معدنچیان نشد بلکه حتی بروخامت اوضاع افزود. زمین و زمان دست به کار سنگسار هر نوع حق و حقوق چند هزار کارگر معدن بود. کل طبقه سرمایه دار، سوسیال دموکراسی و اتحادیه کارگری سوئد پهلو به پهلو یکنیگر به جان کارگران افتادند. دولت سوسیال دموکرات با همدستی سران LO و بخش فلز اتحادیه طرحی را به نام نظام اندازه گیری زمان کار (Tidsstudiesystem) تنظیم کرد و آن را در مورد کارگران شاغل در بخش های مختلف معدن پیاده نمود. بر اساس این طرح، کل روزانه کار کارگران زمان بندی شد و برای هر ثانیه آن کاری تعیین گردید. به طور مثال، حق هر کارگر برای شست و شوی اجتناب ناپذیر و صد درصد ضروری دست ها همراه با وقت لازم برای گرفتن حوله و خشک کردن صورت و همه این امور ۷ ثانیه اعلام شد!! برای هر ۷ تا ۱۴ متر راه رفتن اجباری میان ماشین ها حدود ۳ و نیم ثانیه منظور گردید!! حتی ضربات چکش کارگران زمان بندی شد و به آنان اخطار گردید که برای هر ۵ ضربه چکش

**برگ افتخاری در کارنامه جنبش کارگری جهانی، برگ سیاهی در کارنامه سراسر تنگ رفرمیسم اتحادیه ای، سرزنبشی به کوردلان رفرمیستی که برای کارگران ایران نسخه سندیکا می پیچند، تقدیم به تمامی توده های کارگر ایران، تقدیم به فعالان مصمم جنبش ضد سرمایه داری طبقه کارگر**

عظیم ترین بخش معادن سوئد در شمال این کشور قرار دارد. غول صنعتی معروف و پر قدرت سوئدی موسوم به «LKAB» (Luossavaara-Kiirunavaara Aktiebolag) و ۵ شرکت تابع این کنسرن به نام های WASSARA، FAB و KGS، Minelco-MTAB، حوزه های مختلف معدن منطقه را در کنترل و تصرف خود دارند. LKAB از زمان تأسیس تا اوایل سده بیستم به طور کامل در مالکیت سرمایه داران خصوصی قرار داشت. در شروع این قرن مشاجرات بسیار داغی میان احزاب مختلف طبقه سرمایه دار درباره دولتی شدن یا تداوم تعلق آن به بخش خصوصی در پارلمان سوئد آغاز شد. این کشمکش ها تا سال ۱۹۰۷ به درازا کشید و بالاخره در این سال دولت وقت متشکل از احزاب راست تر سرمایه عزم جزم کرد که ۵۰٪ کل سرمایه کنسرن را به مالکیت دولت درآورد. این وضع تا سال ۱۹۵۷ ادامه پیدا کرد و از این سال به بعد است که LKAB بر اساس مصوبه مجلس به طور کامل در مالکیت دولت سوئد قرار می گیرد. در طول مذاکرات احزاب از جمله نکاتی که ظاهراً به عنوان دلایل انتقال مالکیت کنسرن به دولت مورد تأکید قرار داشت یکی هم بهبود شرایط کار و وضعیت حقوقی کارگران شاغل در LKAB بود. در آن سال ها بیش از چندین هزار کارگر در حوزه های مختلف استخراج آهن و کل معادن شمال سوئد کار می کردند. شرایط کار کارگران به گونه ای غیرقابل توصیف مرگبار و دردناک بود. شدت استثمار در نقطه انفجار بود. فقدان هر نوع ایمنی محیط کار، سطح بغایت نازل دستمزدها و همه مصائب دیگر بردگی مزدی در



حین کار حداکثر وقت کمتر از ۳ ثانیه و نیم خواهد بود!! در یک کلام، تخته و شلاق و تمامی وسائل سلاخی در بند بند معادن، در اعماق زمین، با دست سرمایه داران صدر حزب سوسیال دموکرات و صدراعزینان اتحادیه سراسری کارگران سوئد علیه توده های کارگر آماده شد. دولت سرمایه داری همه این اقدامات را به کار گرفت تا حجم تولیدات معدنی را جهش وار افزایش دهد، تا سود سالانه سرمایه ها را هر چه بالاتر و بالاتر برد. تا سرمایه اجتماعی سوئد به یمن کاهش چشمگیر بهای این تولیدات قدرت رقابت خود در بازار جهانی سرمایه را چند برابر سازد، تا قطره قطره خون کارگران نهال سود را بیش از پیش آبیاری کند. سرمایه، دولت سوسیال دموکرات و اتحادیه کارگری سوئد چنین کردند و محصول این سلاخی ها را بسیار زود به صورت افزایش سالانه حجم تولید از ۱۲/۹ میلیون تن به ۲۵/۲ میلیون تن در فاصله میان ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۸ برداشت کردند. دستاورد جنایت سرمایه فقط این نبود. در طول همین مدت حق آلود کارگران یا در واقع دستمزد آنان که به صورت قطعه کاری یا کار کنتراتی پرداخت می شد از ۵/۸ کرون در قبال تولید هر تن آهن به ۵/۲ کرون برای هر تن کاهش یافت!!

زندگی کارگران روز به روز وخیم تر شد. شرایط کار بسیار طاقت فرسا و غیرقابل تحمل گردید. سطح نازل دستمزدها، امکان دستیابی کارگران به حداقل معیشت را دشوار و دشوارتر کرد. کارگران طرح جدید سرمایه و دولت سرمایه داری سوسیال دموکرات را **فاجعه بردگی مدرن** نام نهادند و این عبارت همه جا به سر زبان ها افتاد. اعتماد کارگران به اتحادیه سراسری که از قبل نیز متزلزل بود متزلزل تر شد و به پائین ترین حد خود رسید. در چنین شرایطی بود که آتش خشم و عصیان کارگران زبانه کشید. همه با هم فریاد زدند که این وضع قابل تحمل نیست. آهنگ اعتصاب در میان توده های کارگر ساز شد. نجواها فریاد و فریادها لباس تصمیم بر تن کرد. اعتصاب «غیرقانونی»، اعتصاب خارج از مدار توافق اتحادیه کارگری، اعتصاب در شرایطی که شمشیر آخته سرمایه از نیام دیوانسالاری اتحادیه ای بیرون و بر فراز سر توده های کارگر چرخ می خورد، راه خود را آغاز کرد. روز نهم دسامبر ۱۹۶۹ چرخ کار و تولید شروع به خوابیدن کرد و به فاصله چند ساعت بعد ۵۰۰۰ کارگر با اراده ای پولادین در چند منطقه عظیم صنعتی از جمله SVAPPAVAARA و MALMBERG در فواصل ۴۷ تا ۶۰ و ۱۱۰ کیلومتری شهر کیرونا دست از کار کشیدند. اتحادیه سراسری کارگران سوئد با تمامی قدرت دست به کار توطئه علیه اعتصاب شد. سران اتحادیه با همدیگر پیمان بستند که برای درهم شکستن اعتصاب و غلبه بر موج اتحاد ضدسرمایه داری توده های کارگر از ارتکاب هیچ جنایتی دریغ نکنند. دیوان سالاری اتحادیه ای با تمامی توحش و درندگی این عزم شوم کارگرکش را لباس واقعیت پوشید. کل نظام سرمایه داری و کل اتحادیه کارگری در یک طرف و ۵۰۰۰ کارگر معدن در طرف دیگر رو به روی هم جنگی بس نابرابر را آغاز کردند.

یک روز پیش از شروع اعتصاب، کارگر مبارز ۶۲ ساله ای که عمر خویش را در انبارهای تیره و تار معادن آهن به سر رسانده بود، به نام هاری هولم لوند (Harry Holmlund) با هزینه شخصی خود، با همان دستمزد بسیار ناچیزش سالن ورزش شهر را برای ساعاتی محدود اجاره کرد. ۲۰۰۰ کارگر با فراخوان این کارگر در سالن اجتماع کردند. در همین جا و همین روز بود که کمیته اعتصاب تشکیل شد. ساعاتی بعد کارگران حوزه های مالم بری و اسواپاوا نیز چنین جلساتی را برگزار کردند. در این هر دو حوزه نیز افرادی به عنوان اعضای کمیته اعتصاب تعیین شدند و کمی آن سوتر همه این نمایندگان منتخب در یک کمیته مشترک ۲۷ نفری دست در دست هم نهادند تا با همدلی و همگامی جمعی کاروان اعتصاب را به پیش برند. در تمامی این اجتماعات کارگران با صدای رسا در گوش هم خواندند که راه دشواری را آغاز کرده اند، که سرمایه داران و دولت سوسیال دموکرات و اتحادیه کارگری از هیچ درندگی علیه آن ها دریغ نخواهند کرد، که این اعتصاب در «قانون» نظام بردگی مزدی

«غیرقانونی» است، که در طول اعتصاب هیچ کارگری هیچ دیناری دستمزد دریافت نخواهد کرد، که اعتصاب هزینه بسیار سنگین دارد و ممکن است روزها به طول انجامد، که دستیابی به موفقیت حتمی نیست، که با همه این ها پیکار علیه سرمایه تنها راه زندگی است و برای گشایش این راه و برای پیمودن آن باید بسیار استوار، متحد، متشکل و همصدا گردید. اعتصاب آغاز شد و دقایقی بعد مدیرعامل دولتی غول آهن LKAB اعلام کرد که این اعتصاب فقط علیه کارفرمایان نیست، بلکه جبهه جنگی است که بر ضد حزب سوسیال دموکرات و اتحادیه کارگری و کل نظام اجتماعی سوئد آغاز شده است. او راست می گفت. اعتصاب بحق یک خیزش شکوهمند ضدسرمایه داری بود.

بیش از ۵۰۰۰ کارگر چرخ کار و تولید را در یکی از عظیم ترین حوزه های صنعتی سوئد از کار انداختند. آنان ۵۷ روز به اعتصاب خویش ادامه دادند. کارنامه پیکار کارگران در جریان این اعتصاب بسیار درخشان و به یاد ماندنی است. ۵۷ روز توطئه مشترک دولت و اتحادیه کارگری علیه اعتصاب، ۵۷ روز تعطیل کار بدون هیچ دیناری دستمزد یا غرامت، ۵۷ روز تحمل رگبار تهدیدها و توپ و تشرها، ۵۷ روز مقاومت در پشت دیوارهای بلند یأس و بالاخره ۵۷ روزی که کل جامعه سوئد را به واکنش و فکر و جنب و جوش واداشت. ۶۸ درصد ساکنان جامعه از طریق نظرسنجی ها حمایت قاطع خود را از کارگران و انزجار خود را از اعمال جنایتکارانه سرمایه داران و دولت و اتحادیه ابراز داشتند. بیش از ۸۰ درصد اهالی کشور بسیار صریح اعلام کردند که کارگران را محق و کارفرمایان و عوامل آن ها را ناحق و متجاوز می شناسند. در و دیوار و همه جای شهر کیرونا از اطلاعاتی های اعلام حمایت شهروندان پوشیده شد. بسیاری از رسانه ها صفحات خود را به گزارش رویدادهای روز مبارزات کارگران اختصاص دادند. نماینده LO با موجی از خشم ضدکارگری عربده سر داد که این اعتصاب از بیخ و بن سیاسی است و هدف اعتصاب کنندگان کل نظام اجتماعی سوئد است. او و شرکای او مبارزه کارگران را حاصل برنامه ریزی و نقشه چینی کمونیست ها خواندند و خواستار مقابله جدی با آن شدند.

اعتصاب با سد پولادینی از مقاومت سرمایه مواجه گردید. گذشت زمان، تاریک بودن دورنمای پیروزی، توطئه های روز به روز سران LO و حزب سوسیال دموکرات، خستگی مفرط کارگران، وحشت از گرسنگی افراد خانواده، همه و همه بر هم تلنبار شدند و به تدریج بذر تردید و تزلزل را در عمق اراده مصمم تود های کارگر افشانند و آبیاری کردند. مزدوران اتحادیه ای در میان اعضای کمیته اعتصاب و در میان توده های کارگر به هر نوع سرمایه گذاری برای غلبه بر موج پیکار آنان دست زدند. دنیای جستجو و تحقیق را برنامه ریزی کردند. هر کارگر آسیب پذیری را شناسایی کردند و برای متزلزل نمودن او دست به ترفند زدند. بیهودگی اعتصاب و محکوم به شکست بودن آن را خوراک تبلیغاتی همه جا حاضر ایادی خویش در میان کارگران ساختند. برای این کار و برای انصراف توده های کارگر از ادامه مبارزه هر چه لازم بود از محل حق عضویت توده های کارگر هزینه کردند. سران LO بسیار مصمم و یکپارچه تأکید کردند که هیچ کارفرمایی در هیچ حوزه ای تحت هیچ شرایطی حاضر به مذاکره با کارگران نخواهد شد مگر این که ۵۰۰۰ کارگر اعتصابی از قبل به سر کار خویش باز گشته باشند.

در روزهای آخر ماه ژانویه اندک اندک غبار یأس بر پیشانی عده ای از کارگران نشست. تردید و تزلزل به درون کمیته اعتصاب بیش از توده های کارگر نفوذ کرد. در اینجا عناصر کم و بیش متفاوتی دست در دست هم داشتند. عناصر استوار و مصمم در کنار کسانی که به جنبش اتحادیه ای توهمن داشتند همراه با افراد میانه رو همگی راه مشترکی را پیش گرفته بودند و اینک بر سر دوراهی سهمگین ادامه پیکار یا عقب گرد و قبول شکست با هم کلنجار می رفتند. در روز ۲۹ این ماه، نمایندگان LO با تأکیدی بیش از پیش خواستار بازگشت کارگران به سر کار شدند. اعضای کمیته اعتصاب در مقابل این خواست اتحادیه ۱۲ پرسش

معادن در سال ۱۹۶۹ بود. خیزش عظیم ۵۰۰۰ معدنچی در خارج از مدار توافق اتحادیه و در شرایطی که حزب مدعی نمایندگی طبقه کارگر و اتحادیه مدعی دفاع از حقوق کارگران، هر دو در سنگر سرمایه، با سلاح سرمایه و با قدرت دولتی سرمایه علیه اعتصاب جنگ و توطئه می کردند، مسائل بسیار مهمی را در پیش دیدگان توده های کارگر سوئد و همه دنیا قرار داد. نکاتی که ما در اینجا فهرست وار به برخی از آن ها اشاره می کنیم.

- اعتصاب بنیاد توهم طبقه کارگر به سوسیال دموکراسی را گلوله باران کرد و بسیار صریح به همگان خاطرنشان کرد که حتی چپ ترین جناح سوسیال دموکراسی بین المللی برای دفاع از حریم سود و قدرت سرمایه از هیچ تعرض و تجاوزی علیه نازل ترین سطح حقوق و معیشت کارگران ابا نمی ورزد. یکی از نمایندگان کارگران در جریان همین مبارزات با چشمانی اشکبار فریاد سر داد که در طول ۵۷ روز اعتصاب درس هایی آموختم که پیش از آن حتی تصور آن ها را به مخیله خود راه نمی دادم. او گفت که دولتمردان و اتحادیه سالاران حاضر بودند بر جنازه تمامی ما توده های کارگر بگذرند تا شاید ما را به سر کار بازگردانند.

- اعتصاب شالوده اعتماد کور و ناآگاهانه کارگران به رفرمیسم اتحادیه ای را دچار زلزله ساخت. ۵۰۰۰ کارگر معدن به همه همزنجیران خود نشان دادند که در سر بزنگاه های واقعی پیکار علیه سرمایه اتحادیه کارگری نه سنگر آن ها که سلاح تعرض سرمایه علیه آنان است.

- اعتصاب بر سر کارگران دنیا فریاد زد که قدرت واقعی مبارزه ضدسرمایه داری آنان نه در سندیکاسازی و ساختن دکه های سازش و تسلیم و تمکین به قدرت سرمایه بلکه در اتحاد و اتفاق و سازمانیابی شورایی مبتنی بر اراده همه آحاد کارگران است. آنچه توده های کارگر در معادن شمال سوئد پدید آوردند به طور قطع یک شورای واقعی سرمایه ستیز کارگری نبود اما در این راستا حرکت می کرد و بر اعتبار هر چه سندیکاسازی و سندیکالیسم بود چوب حراج فرود می آورد.

- اعتصاب حاوی این درس بسیار عظیم بود که هر شکستی لزوماً شکست نیست، درست همان گونه که هر پیروزی لزوماً اعتبار و ارج پیروزی را برای کارگران ندارد. اعتصاب معدنچیان سوئد توانست یک همدلی و همپیوندی عمیق خارج از داریست مناسبات اتحادیه ای را در میان تمامی توده های کارگر پدید آرد. وقتی که ۸۰ درصد ساکنان جامعه از اعتصاب حمایت جدی می کردند معنایش آن بود که کل کارگران سوئد علیه سوسیال دموکراسی و اتحادیه کارگری و به نفع ۵۰۰۰ کارگر معدن رأی می دهند. در اینجا حتماً این سؤال مطرح خواهد شد که فایده این نوع همدلی های صوری و لفظی چیست و چرا کارگران سایر حوزه ها و مراکز کار عملاً وارد میدان مصاف نشدند. این سؤال طبیعتاً بسیار بجا و معتبر است اما پاسخ هم چندان غامض نیست. واقعیت این است که خیزش همگانی کارگران در آن شرایط به دفاع از اعتصاب معدنچیان و علیه دولت سوسیال دموکرات و اتحادیه کارگری نیازمند سطح بسیار بالاتری از صف آراییی آگاه ضدکارمزدی کارگران بود. جنبش کارگری در این سطح حرکت نمی کرد و از آن به بعد هم نه فقط نکرده است که بسیار پس رفته است اما هیچ کدام از این مؤلفه ها نمی تواند مبنایی برای بی اعتبار جلوه دادن حمایت و همدلی پرشور کارگران نسبت به پیکار همزنجیران خود در آن زمان باشد. از این ها که بگذریم اعتصاب روحیه اتکا به خود را در کل طبقه کارگر سوئد به طور گسترده بالا برد و همان گونه که گفتیم جنبش کارگری را از حالت رکود و افت خارج ساخت.

- در منشور مدون بردگی مزدی موسوم به «قانون کار» در جامعه سوئد بندها و موادی متضمن برخی حقوق ابتدایی کارگران دیده می شود که به ندرت در «قانون کار» سایر جوامع حتی کشورهای اروپای غربی قابل مشاهده است. از

را مطرح کردند و از LO خواستند تا به سؤالاتشان جواب دهد. این گفتگوها نیز بی نتیجه ماند و هیچ پاسخ شفاف و صریحی به دست کارگران نرسید. ماه فوریه با دو دلی و خستگی و نومیدی بیشتر کارگران آغاز شد. اعضای کمیته تصمیم گرفتند که تعیین تکلیف در مورد ادامه مبارزات یا بازگشت به کار را به آرای عمومی کارگران واگذار کنند. آنان با همین هدف اقدام به تشکیل نشست گسترده و فراگیر توده های کارگر کردند. اتخاذ تصمیم به نظرخواهی عمومی ارجاع شد. اکثریت کارگران با اختلاف رأی ۶۸ نفر به ادامه اعتصاب رأی دادند. کارگران آمادگی خویش را برای پایداری و تداوم پیکار اعلام کردند. اما این رأی گیری نیز قادر به حل مشکل نبود، به این دلیل بسیار روشن که چشم انداز ادامه اعتصاب هیچ روشن به نظر نمی رسید. اردوی سرمایه بسیار نیرومند بود و در این میان اتحادیه کارگری همچون بختکی عظیم راه هر نوع حمایت توده های کارگر سوئد از اعتصابیون را سد می کرد. تعدادی از اعضای کمیته اعتصاب زیر فشار نومیدی تصمیم به کناره گیری و عذرخواهی از ادامه مأموریت خویش گرفتند. جلسات یکی پس از دیگری تشکیل شد. کل توده های کارگر در شور و مشورت ها و مجامع تصمیم گیری فعالانه شرکت کردند. چند راه حل مختلف در درون کمیته و در اجتماعات متعدد کارگران مورد گفتگو و نظرخواهی قرار گرفت. همه این کارها انجام شد اما هیچ نور امید به پیروزی بر افق این تلاش ها نتابید. تقریباً تمامی کارگران، حتی کسانی که موافق ادامه اعتصاب نبودند، نسبت به عقب نشینی و تسلیم ابراز انزجار می کردند. اما ادامه اعتصاب را نیز چندان موفقیت آمیز نمی دیدند. کمیته اعتصاب در میان دنیایی از تردید و یأس تصمیم به پایان اعتصاب گرفت و این تصمیم را در روز دوم فوریه ۱۹۷۰ به اطلاع توده های کارگر رساند. در فردای آن روز از کل ۵۰۰۰ کارگر در حال اعتصاب فقط ۱۰۰ نفر در کیرونا، ۱۰۰ نفر در مالمبری و ۱۴ نفر در اسوایا در سر کار حاضر شدند و بقیه با حالتی غمناک از شروع مجدد کار خودداری ورزیدند. پذیرش آنچه روی می داد برای اکثریت قریب به اتفاق کارگران بسیار دشوار بود و چند روزی وقت لازم بود تا آنان بر وضعیت موجود خویش غلبه کنند، تا فشار لحظه های شکست را با نگاه هشیار و بیدار به دورنمای روشن مبارزه طبقاتی ضدسرمایه داری بر وجود خویش کاهش دهند، تا با اراده ای مصمم به ادامه مبارزه در آینده به سر کار خویش بازگردند.

### شکستی که سرآغاز مبارزات گسترده و راهگشای حصول دستاوردها شد

اعتصاب سال ۱۹۶۹ معدنچیان سوئد، با توصیفی که گفتیم، زیر فشار مقاومت سبعانه سرمایه و به ویژه با ایفای نقش خیانتکارانه و ضدکارگری اتحادیه سراسری کارگران LO، به ظاهر شکست خورد. اما این شکست به طور واقعی و در روند روز مبارزه طبقاتی، سرآغاز بسیاری پیروزی ها و راهگشای بیشترین تعرضات توده های کارگر به حریم قدرت و سود سرمایه شد. همه کسانی که با تاریخ جنبش کارگری سوئد آشنا هستند، حتی آنان که اعتصاب آن روز توده کارگر را به شکست کشانند، همه احزاب رسمی و غیررسمی راست و چپ سرمایه، اربابان رسانه ها و همه محافل مختلف اذعان دارند که هیچ اعتصابی به اندازه خیزش سال ۱۹۶۹ کارگران معدن، شرایط کار و زندگی و موقعیت تقابل طبقه کارگر سوئد با سرمایه داران و نظام سرمایه داری را دستخوش تأثیر نکرده است. زمان زیادی از پایان اعتصاب معدنچیان نگذشته بود که آتشفشان مبارزات کارگران در بسیاری از حوزه های مهم صنعتی و سایر مراکز کار شروع به فوران کرد. کارگران بخش نظافت در سراسر سوئد در اعتراض به سطح نازل دستمزدها و وخامت شرایط کار دست از کار کشیدند. توده وسیع کارگران جنگل نیز به صورت سراسری دست به اعتصاب زدند. جنبش کارگری دور جدیدی از تعرض و مقاومت در مقابل سرمایه داران را آغاز کرد. دور تازه ای از پیکار که به درستی و به اعتراف همگان محصول مستقیم جمعیت های طبیعی و خودجوش رویدادها و آثار اعتصاب کارگران

نمایندگان کارگران در تصمیمات درون محیط کار» (Med Bestämmande Lagen Om (Rätten یا «صیانت از حقوق مستخدمین» (Anställningsskydd) و مانند این ها در زمره همین عقب نشینی ها بود. اعتصاب سال ۱۹۶۹ کارگران معدن به رغم شکست ظاهری خود در کنار همه دستاوردهای بزرگ خود این عقب نشینی مهم را نیز بر سرمایه داران و دولت سرمایه داری سوئد تحمیل کرد.

ما چهلیمین سالگرد شروع اعتصاب ۵۷ روزه ضدسرمایه داری توده های کارگر بخش معدن سوئد را ارج می گذاریم. درس های این مبارزه را بسیار مهم می دانیم و بر کاربست خلاق آن ها در جنبش کارگری جهانی و بیش از همه جنبش کارگری ایران تأکید می ورزیم. کارگران ایران باید بیاموزند که آنچه می تواند راه تحمیل مطالبات آنان بر صاحبان سرمایه و دولت را هموار سازد صرفاً اعمال قدرت متحد شورایی ضدسرمایه داری آنان است. کارگران باید بیاموزند که سندیکاسازی و توصیه ساختن سندیکا نه حرف فعال آگاه طبقه کارگر که صرفاً نشان مسخ و متحجر بودن افراد در دام توهمات شوم به سرمایه و یا مزدوری برای نظام بردگی مزدی است. کارگران باید با درس آموزی از همه تجارب گذشته جنبش جهانی خود و از جمله اعتصاب سال ۱۹۶۹ کارگران معدن سوئد بر سینه سندیکالیسم و سندیکاسازان دست رد فرو کوبند. باید منشور مطالبات پایه ای خود را سنگر تعرض علیه سرمایه کنند. باید حول این منشور به صورت شورایی و ضدسرمایه متشکل شوند. باید در این مسیر راه سرنگونی سرمایه داری را دنبال کنند.

## فعالین ضد سرمایه داری در کشورهای

### اسکاندیناوی

۱۴ دسامبر ۲۰۰۹

منابع:

Gruva. Sara Lidman, Odd Ubrbom

Strejken som förändrade Sverige. Ulrika Waaranperä ,  
Offensiv 755

جمله این ها می توان به دو مورد مهم اشاره کرد. مورد نخست «قانون» موسوم به «حق دخالتگری نمایندگان سندیکایی کارگران در تصمیمات درون محیط کار» (Med Bestämmande Rätten) و مورد بعدی چیزی زیر نام «صیانت از حقوق مستخدمین» (Lagen Om Anställningsskydd) است. محتوای ماده اول در واقع قبول نوعی حق دخالت ولو بسیار کاریکاتوری نماینده کارگر در امور مربوط به سازماندهی کار در درون مراکز کار و تولید است و مضمون ماده دوم محدودیت اختیار کارفرمایان در اخراج کارگران و الزام صاحبان سرمایه به رعایت پاره ای حقوق توده های کارگر در این زمینه است.

موارد بالا یا در واقع بخشی از «قانون کار» سوئد که در برگرفته این مواد است اگر چه طبیعتاً معضل چندانی از کوه معضلات زندگی و شرایط کار طبقه کارگر سوئد حل نکرده است، اگر چه مطلقاً قرار هم نیست که این نوع دستکاری ها بار توحش سرمایه را کاهش دهد و بالاخره اگر چه حتی همین به اصطلاح اصلاحات هم در سيطرة قدرت دیوان سالاری اتحادیه ای همه جا به سلاح دست اتحادیه تبدیل شده است، اما به هر حال و با توجه به همه این جوانب باز هم بر روی چگونگی تقابل میان کارگران و سرمایه داران بی تأثیر نبوده است. نکته اساسی این است که کل این عقب نشینی های سرمایه و تغییرات منعکس در «قانون کار» سوئد محصول مستقیم و غیرمستقیم اعتصاب سال ۱۹۶۹ معدنچیان شمال است. این واقعیتی است که همگان از سران سوسیال دموکراسی و جنبش اتحادیه ای گرفته تا احزاب راست تر سرمایه همه بدان اذعان دارند.

اعتصاب «غیرقانونی» و ضدسرمایه داری کارگران معدن، کل طبقه سرمایه دار، دولت سرمایه داری و همه احزاب راست و چپ سرمایه را دچار شک و حتی وحشت ساخت. این اعتصاب به همه آن ها اخطار کرد که جنبش اتحادیه ای با همه کارسازی که دارا هست، در همه شرایط قادر به مهار موج پیکار توده های کارگر علیه سرمایه نیست. سرمایه داران، دولت و همه احزاب طبقه سرمایه دار دریافته اند که باید در برخی جاها با رعایت تمامی مصالح سودآوری سرمایه و با هدف کمک به تقویت امکانات ماندگار سازی نظام بردگی مزدی در مقابل برخی خواست های کارگران دست به عقب نشینی بزنند. دولتمردان سرمایه طبیعتاً برای این نوع عقب نشینی ها و برای تبدیل آن ها به ساز و کار بقای سرمایه به اندازه کافی برنامه ریزی کردند و در این گذر از نقش رفرمیسم منحن سندیکالیستی حداکثر بهره را برگرفتند. توافق سوسیال دموکراسی و اتحادیه کارگری با آن بخش از «قانون کار» و موادی مانند «حق دخالتگری

## تظاهرات اعتراضی رانندگان بازنشسته شرکت واحد

همین مبارزات و کوشش ها صورت گرفت. کارگران راننده خواستار دریافت فوری همه مطالبات خود هستند.

منبع: آژانس ایران خبر

۲۳ آذر ۸۸

و دریافت مستمری بازنشستگی را حق اولیه و بديهی و بدون هیچ چون و چرای خویش می دانند. رانندگان مدت هاست که برای گرفتن همین حق مسلم ابتدایی تلاش می کنند. به همه جا شکایت کرده و بارها دست به اعتراض زده اند اما هیچ پاسخ موافقی دریافت نکرده اند. تظاهرات روز یک شنبه آنان در مقابل سازمان تأمین اجتماعی نیز در ادامه

سازمان تأمین اجتماعی از پرداخت مستمری بازنشستگی کارگران شرکت واحد سر باز می زند. کارگران بیش از ۲۰ سال است که شب و روز در این شرکت کار کرده و استنثار شده اند. آنان اینک در سنین پیری و زیر فشار شدت فرسودگی و استهلاک و از دست دادن همه توان جسمی قادر به ادامه کار نیستند. همه پا به سن بازنشستگی نهاده اند

## هزار کارگر شهرداری کرج اخراج شدند

برای چند ساعتی به امانت گرفته می شود و پس از انجام کار بیکراست اخراج و بیکار می گردد. شهرداری کرج این حکم را در مورد همه نیروی کار فعلاً شاغل و اخراج نشده خود اجرا کرده و به این ترتیب در کنار اخراج ۱۰۰۰ کارگر بقیه را نیز

به این نیز اکتفا نکرده اند. آنان نوع تازه ای از به کارگیری نیروی کار و تشدید وحشیانه استنثار کارگران را بر اشکال موجود اضافه کرده و یا جایگزین آن ها نموده اند. این نوع جدید به کارگیری «امانی» نام دارد و معنای آن این است که کارگر

شهرداری کرج حکم اخراج ۱۰۰۰ کارگر را صادر کرده است. سرمایه داران دولتی شهرداری می گویند که بودجه لازم برای پرداخت دستمزد کارگران را ندارند و به همین دلیل دست به اخراج وسیع توده های کارگر می زنند. مسئولان شهرداری



## خبرنامه کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

های کارگری و از بین بردن هر چه وسیع تر حداقل بهداشت اهالی شهرها تضمین کند. ۲۱ آذر ۸۸

سرمایه عزم جزم کرده است که هر لحظه بقای خود را با مرگ ناشی از گرسنگی هزاران فرد خانواده

به این سرنوشت شوم دچار ساخته است. اخراج ۱۰۰۰ کارگر وضعیت نظافت شهر را که همیشه وخیم بوده بیش از پیش وخیم کرده است. دولت

### احضار محسن حکیمی به دادگاه

احضار به بازداشت حکیمی در سال پیش مربوط می شود یا شکایت جدیدی است.

۲۳ آذر ۸۸

احضار نوشته شده است « درخصوص شکایت علیه شما در وقت مقرر فوق برای رسیدگی در این شعبه حاضر شوید». به این ترتیب، معلوم نیست که این

بر اساس احضاریه ای که روز ۲۲ آذر ۸۸ به دست محسن حکیمی رسیده است، او باید در تاریخ ۸۸/۱۰/۱۶ در شعبه سیزدهم دادگاه انقلاب اسلامی تهران حضور یابد. در قسمت مربوط به علت این

از سایت کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری بازدید کنید

[WWW.HAMAAHANGI.COM](http://WWW.HAMAAHANGI.COM)

برای تماس با ما نامه الکترونیکی خود را به آدرس زیر

بفرستید

[khbitkzs@gmail.com](mailto:khbitkzs@gmail.com)

## منشور مطالبات پایه ای طبقه کارگر ایران

هجوم نظام سرمایه داری به سطح معیشت کارگران روز به روز ابعاد وسیع تری می یابد و کارگران بیش از پیش به اعماق مرگ و نیستی رانده می شوند. در یک سوی جامعه، انباشت عظیم ثروت را می بینیم و، در سوی دیگر، شاهد گسترش فقر و فلاکت و بی حقوقی در مقیاسی بی سابقه هستیم. شکاف طبقاتی اکنون به چنان ورطه هولناک و مرگباری تبدیل شده که برای کارگران راهی جز جنگ مرگ و زندگی با سرمایه داری باقی نمانده است. این جنگ را خود سرمایه داری بر کارگران تحمیل کرده است و خودکرده را تدبیر نیست. روزی نیست که شاهد چندین تجمع و تحصن و اعتصاب و راه پیمایی کارگری علیه نظام سرمایه داری نباشیم. بستن جاده ها و قطع شریان های حمل و نقل سرمایه اکنون می رود که به یک سنت مبارزه طبقه کارگر ایران علیه سرمایه تبدیل شود.

با این همه و به رغم آن که کارگران در همه جا مطالبات یکسانی را مطرح می کنند، مبارزات آنان هنوز به زیر یک پرچم سراسری واحد گرد نیامده است. و یکی از علت های عدم شکل گیری قدرت متشکل و سراسری طبقه کارگر و بدین سان به نتیجه نرسیدن این همه مبارزه کارگری را در همین جا باید جست. پیداست که اگر مبارزه کارگران برای مطالبات پراکنده و محلی به مبارزه برای مطالبات طبقاتی سراسری و واحد ارتقا نیابد کارگران به رغم تمام جان فشانی ها و فداکاری های خود راه به جایی نخواهند برد. گام اول برای عقب نشاندن هجوم بی امان سرمایه به سطح معیشت کارگران برافراشتن یک پرچم یا منشور سراسری واحد حاوی مطالبات پایه ای طبقه کارگر است. پایه ای بودن مطالبات کارگران در این منشور به دو معناست: نخست به معنای سطح پایین و نازل مطالبات کارگران ایران نسبت به حقوق متعارف کارگران در بخشی از جهان و دوم به معنای مطالبات عمومی کل کارگران ایران که ارتقای مبارزات پراکنده کنونی شان به سطح مبارزه ای سراسری در وسیع ترین شکل آن- که خود شرط لازم مقاومت در مقابل هجوم سرمایه در شرایط کنونی است- درگرو تبدیل آن ها به پرچم واحد و سراسری طبقه کارگر است.

اما مهم تر از این ها توضیح این نکته است که کارگران مطالبات خود را از چه زاویه ای مطرح می کنند. نفس طرح مطالبه کارگران از سرمایه داران و دولت آن ها به معنای آن است که سرمایه داران حاصل کار و تولید کارگران است. مطالبه کارگران از سرمایه داران از بابت هیچ چیز نیست مگر از بابت کاراضافی ای که برای سرمایه داران انجام داده اند اما در ازای آن هیچ چیز نگرفته اند. بنابراین، کارگران با طرح مطالبات خود در واقع به سرمایه داران و دولت آن ها می گویند که آنان باید این مطالبات را از محل همین کار پرداخت نشده برآورده کنند. بدین سان، کارگران در همان مبارزه خودانگیزه خویش نظم سرمایه را به چالش می کشند و باید بکشند. کارگر در لحظه لحظه زندگی خود به گونه های مختلف این مضمون ضدسرمایه داری را بیان می کند که چرا باید من کار کنم اما یکی دیگر بخورد؟ چرا باید تمام ثروت جامعه را من تولید کنم اما خودم از آن کاملاً بی بهره باشم؟ این همان رویکرد و زاویه ای است که ما به مثابه بخش کوچکی از طبقه کارگر منشور حاضر را بر مبنای آن تدوین کرده ایم.

مطالبات پایه ای طبقه کارگر ایران در شرایط کنونی عبارتند از:

- ۱- حداقل دستمزد ماهانه کارگران باید براساس ثروتی که آنان برای جامعه تولید کرده اند («تولید ناخالص داخلی») و اختصاص سهم هرچه بیشتری از این ثروت به ارتقای سطح زندگی و رفاه کارگران تعیین شود.
- ۲- تمام افراد زیر ۱۸ سال باید از محل ثروتی که کارگران برای جامعه تولید کرده اند حقوق ثابت ماهانه دریافت کنند.
- ۳- کارخانگی باید از میان برود، اما تا آن زمان باید به زنان خانه دار دستمزدی معادل دستمزد کارگران شاغل تعلق گیرد.
- ۴- تمام افراد جامعه باید از تأمین اجتماعی شامل حقوق بازنشستگی و از کار افتادگی و بیمه بیکاری برخوردار باشند.
- ۵- تمام بیکاران آماده کار باید مشمول بیمه بیکاری باشند. بیمه بیکاری نباید از حداقل دستمزد کارگران شاغل کمتر باشد.
- ۶- هر نوع قرارداد استخدام موقت باید ملغی شود.
- ۷- حقوق تمام شاغلان، بیکاران، زنان خانه دار و افراد زیر ۱۸ سال باید حداقل تا بیست و پنجم هر ماه پرداخت شود.
- ۸- شاغلان در تمام مراکز کار و تولید در تمام شیفت های کاری باید از غذا و سرویس ایاب و ذهاب رایگان برخوردار باشند.
- ۹- مسکن مناسب با تمام امکانات رفاهی و ارتباطی و وسائل خانگی حق مسلم هر شهروندی است. تحقق این امر درگرو آن است که:
  - از ساختمان های تحت مالکیت دولت که اینک در اختیار نهادهای دولتی قرار دارند برای تأمین مسکن شهروندان استفاده شود.
  - دولت هر سال درصد معینی از بودجه را به احداث واحدهای مسکونی جدید برای شهروندان اختصاص دهد.
- ۱۰- بهداشت و دارو و درمان انواع بیماری ها باید رایگان باشد.
- ۱۱- آموزش و پرورش در تمام سطوح باید رایگان شود.
- ۱۲- حمل و نقل عموم مردم در سراسر جامعه باید رایگان شود.
- ۱۳- تمام مردم باید از مهد کودک رایگان استفاده کنند.
- ۱۴- همه سالمندان و معلولان باید به صورت رایگان تحت مراقبت قرار گیرند.
- ۱۵- کار کودکان و جوانان زیر ۱۸ سال باید به طور کامل ملغی شود.
- ۱۶- هرگونه تبعیض جنسی در مورد زنان باید از میان برود. برای تحقق این خواست باید:
  - زنان در تمام قوانین از جمله قانون کار، قوانین مربوط به ازدواج و قوانین کیفری با مردان حقوق برابر داشته باشند.
  - هر نوع دخالت دولت در تعیین نوع زندگی، روابط زن و مرد یا دختر و پسر و پوشاک زنان ممنوع شود.
  - ازدواج یا جدایی همسران از یکدیگر با توافق آزادانه و حق برابری کامل میان آنان صورت گیرد.
  - هرگونه ازدواج قبل از سن ۱۸ سالگی ممنوع شود.
- با ایجاد فرصت های شغلی برای زنان و امکاناتی رایگان چون شیرخوارگاه، مهدکودک، سالن غذاخوری و رخت شوی خانه به صورت گسترده و فراگیر در محل های کار و سکونت زمینه اجتماعی شدن کارخانگی فراهم شود.
- ۱۷- تمام افراد جامعه باید بدون هیچ قید و شرطی از آزادی های سیاسی از قبیل آزادی عقیده و بیان، آزادی نشریات و مطبوعات، آزادی اعتصاب، آزادی تجمع و تحصن و راه پیمایی و تظاهرات برخوردار باشند.
- ۱۸- ایجاد هرگونه تشکل از جمله تشکل ضدسرمایه داری و سراسری طبقه کارگر باید آزاد باشد.

**کارگران علیه سرمایه متشکل شویم !**  
**کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری**

اول ماه مه سال ۱۳۸۸

خبرنامه کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری را به

دست کارگران برسانید.

سایت کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل  
کارگری به طور روزمره به روز شده و  
اخبار جدید کارگری در آن منتشر  
می‌گردد.

آدرس سایت را به اطلاع همه برسانید:

[WWW.HAMAAHANGI.COM](http://WWW.HAMAAHANGI.COM)

برای تماس با ما نامه الکترونیکی  
خود را به آدرس زیر بفرستید:

[khbitkzs@gmail.com](mailto:khbitkzs@gmail.com)

برای اشتراک این خبرنامه به سایت کمیته مراجعه کرده و آدرس  
الکترونیکی خود را در قسمت "خبرنامه سایت" وارد کنید. در  
صورتی که مایل به ادامه اشتراک نیستید، می‌توانید در همین  
قسمت خواهان حذف نام خود از فهرست مشترکین شوید.